

به خانم س.ب.؛ شعبه ۲۵ دادگاه انقلاب اسلامی شهر ری با صدور دادنامه شماره ۵۰۳۱۳/۳۴۴۵۰۰۳۱۳ مورخ ۱۳۹۲/۲/۹ ط.ع.پ. را به استناد بند (ج) ماده ۵ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز دارند (مصوب ۱۳۸۶)، به یک سال حبس، پنجاه ضربه شلاق تعزیری و سه سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم نمود. متعاقب تجدیدنظرخواهی محکوم علیه از حکم محکومیت بدوی، شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۸۶۱۱۰۰۳۹۹ مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۸ با اِعمال تخفیف، یک سال حبس را به پرداخت پنجاه میلیون ریال جزای نقدی تبدیل و متهم را از محرومیت اجتماعی معاف و مجازات شلاق را به مدت سه سال تعلیق نمود. پیرو درخواست اعاده دادرسی محکوم علیها، دیوان عالی کشور با صدور دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۱۳۵۱۰۱۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۷ ضمن اشاره بر عدم تناسب میان بزه ارتكابی و کیفر تعیین شده به استناد بند ۶ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ با پذیرش درخواست اعاده دادرسی، پرونده را به شعبه هم عرض دادگاه تجدیدنظر ارجاع نمود. شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران با صدور دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۲۰۰۸۴۱ مورخ ۱۳۹۳/۷/۱۲ با تأیید نظر دیوان عالی کشور، بزه ارتكابی متهم را منطبق بر عنوان «توزیع محتویات مجرمانه از طریق سامانه های رایانه ای» منطبق با ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه ای (مصوب ۱۳۸۸) دانست و وی را به پرداخت بیست میلیون ریال جزای نقدی محکوم نمود.

متن رأی

در ارتباط با درخواست خانم ط.ع. فرزند م. مبنی بر اعاده دادرسی نسبت به دادنامه قطعی شماره ۰۳۹۹ مورخ ۹۲/۳/۲۸ شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که در مقام رسیدگی تجدیدنظر نسبت به دادنامه شماره ۰۳۱۳ مورخ ۹۲/۲/۹ شعبه ۲۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران صادر شده است و به موجب دادنامه اخیر نامبرده در مورد اتهام توزیع عکس های مبتذل به تحمل یک سال حبس تعزیری و تحمل پنجاه ضربه شلاق تعزیری و محرومیت از حقوق اجتماعی به مدت سه سال محکوم شده

یادداشت هایی بر بعضی آراء مراجع قضایی کیفری

مریم ممنون *

الف - بزه توزیع محتویات مبتذل از طریق سامانه های رایانه ای

مشخصات آراء مرحله بدوی، تجدیدنظر، اعاده دادرسی و تجدیدنظر هم عرض شماره دادنامه بدوی: ۹۲۰۹۹۷۰۳۴۴۵۰۰۳۱۳
تاریخ صدور دادنامه بدوی: ۱۳۹۲/۲/۹
مراجع رسیدگی بدوی: شعبه ۲۵ دادگاه انقلاب اسلامی شهر ری
شماره دادنامه تجدیدنظر: ۹۲۰۹۹۸۶۱۱۰۰۳۹۹
تاریخ صدور دادنامه تجدیدنظر: ۱۳۹۲/۳/۲۸
مراجع رسیدگی تجدیدنظر: شعبه ۲۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران
شماره دادنامه صادره از دیوان عالی کشور: ۹۴۰۹۹۷۰۹۲۵۱۰۱۰۶
تاریخ صدور دادنامه: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷
مراجع رسیدگی اعاده دادرسی: شعبه ۳۶ دیوان عالی کشور
شماره دادنامه تجدیدنظر هم عرض: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۲۰۰۸۴۱
تاریخ صدور دادنامه تجدیدنظر هم عرض: ۱۳۹۳/۷/۱۲
مراجع رسیدگی تجدیدنظر هم عرض: شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۱. وقایع پرونده

به موجب کیفرخواست شماره ۱۰۰۹۳۰۰۸ صادر شده از دادسرای عمومی و انقلاب شهرری، خانم ط.ع.پ. متهم است به «توزیع عکس های مبتذل» متعلق

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی و پژوهشگر پژوهشگاه قوه قضاییه.

است که در مرحله تجدیدنظر شعبه ۲۷ دادگاه مربوطه با اعمال جهات تخفیف یک سال حبس را به پرداخت جزای نقدی، تبدیل و مجازات محرومیت از حقوق اجتماعی را معاف و مجازات شلاق را تعلیق نموده است که متعاقب قطعیت دادنامه متقاضی با درخواست اعاده دادرسی از دیوان عالی کشور خواستار رسیدگی مجدد شده که شعبه ۳۶ دیوان عالی کشور طی دادنامه ۰۱۰۶۰ مورخ ۹۲/۱۱/۲۷ با این استدلال - که عنوان اتهامی از مصادیق ماده ۷۴۲ قانون جرایم رایانه‌ای و تبصره‌های آن بوده و ارتباطی با قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند نداشته - موضوع را منطبق با بند ۶ ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری دانسته و با پذیرش درخواست پرونده جهت رسیدگی در شعبه هم‌عرض به دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران، ارسال و به این دادگاه ارجاع شده است. دادگاه با تعیین وقت مقرر و استماع اظهارات طرفین - در مجموع با این استدلال که برابر ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی فصل چهارم جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و فصل جرایم رایانه‌ای (الحاقی ۵/۳/۸۸) و تبصره یک آن - توزیع محتویات مبتذل از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، جرم، تلقی و مجازات آن نود و یک روز تا دو سال حبس و یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات پیش‌بینی شده است؛ که فعل ارتكابی از سوی متقاضی، منطبق با قانون اخیر بوده لذا با پذیرش درخواست اعاده دادرسی مستنداً به ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری بند ۶ از حیث تعیین کیفر نامتناسب با جرم، و ماده ۲۷۶ قانون مرقوم ضمن نقض دادنامه سابق‌الصدور حکم به محکومیت متقاضی به پرداخت چهل میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت، صادر، که با اعمال تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مبلغ فوق به بیست میلیون ریال تقلیل داده می‌شود. این رأی قطعی است.

۲. نقد و بررسی

با بررسی و تدقیق در محتویات این پرونده موارد زیر حائز اهمیت بسیار است: الف) دادگاه محترم بدوی ضمن رسیدگی به اتهامات مورد نظر در کیفرخواست، عمل ارتكابی متهم را با عنوان مجرمانه «تهیه مخفیانه فیلم یا عکس

مبتذل از دیگران و تکثیر یا توزیع آن» منطبق، و متهم را به‌موجب بند (ج) ماده ۵ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز دارند (مصوب ۱۳۸۶) به تحمل یک سال حبس، سه سال محرومیت از حقوق اجتماعی و پنجاه ضربه شلاق تعزیری محکوم نمود. حال آنکه با در نظر گرفتن عنوان قانون مذکور در باب «فعالیت غیرمجاز در امور سمعی و بصری» می‌توان این‌طور تفسیر نمود که اختصاص این قانون با تأکید قانونگذار بر واژه «فعالیت» درخصوص افرادی است که تهیه و توزیع عکس‌های مبتذل را به عنوان حرفه و فعالیت شغلی مستمر خود قرار داده‌اند و صرف یک بار ارتکاب، این رفتار مشمول قانون مذکور نمی‌باشد.

ب) با تجدیدنظرخواهی از دادنامه فوق‌الذکر، دادگاه محترم تجدیدنظر، ضمن اعمال تخفیف مجازات که البته به جهات آن در رأی خود اشاره‌ای ننموده است، محرومیت‌های اجتماعی در نظر گرفته‌شده را ملغی‌الأثر، اعلام، و شلاق تعزیری را به مدت سه سال تعلیق نمود و نهایتاً مرتکب، به پرداخت ۵۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم شد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد دادگاه محترم تجدیدنظر استدلال دادگاه بدوی در تطبیق عنوان مجرمانه را مورد پذیرش قرار داده است.

پ) در جریان درخواست اعاده دادرسی، دیوان عالی کشور با تطبیق عمل ارتكابی مرتکب با ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی در باب جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی (ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸) که مجازات قانونی آن، جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا حبس از نود و یک روز تا دو سال و یا هر دو آن می‌باشد ضمن احراز عدم تناسب میان جرم ارتكابی و مجازات تعیین شده، به استناد بند (ج) ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، با پذیرش درخواست اعاده دادرسی موضوع را به دادگاه تجدیدنظر هم‌عرض ارجاع داد.

ت) دادگاه تجدیدنظر هم‌عرض به درستی و با در نظر گرفتن مقررات قانونی، استدلال دیوان عالی کشور - مبنی بر شمول رفتار ارتكابی با عنوان مجرمانه «توزیع محتویات مستهجن از طریق رایانه» منطبق با ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) - را تأیید و بر همان اساس به صدور حکم پرداخت. در نگاهی به

ب- جعل، استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری

مشخصات رأی بدوی و تجدیدنظر

شماره پرونده: ۹۰۰۹۹۸۰۲۸۳۹۰۰۳۴۲

شماره دادنامه بدوی: ۹۳۰۹۹۷۲۱۸۰۹۰۱۰۹۳

تاریخ دادنامه بدوی: ۱۳۹۳/۹/۲۴

شاکی: ج.ر.ی.

متهم: د.ب.

اتهام: جعل، استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری

مرجع رسیدگی بدوی: شعبه ۱۱۶۹ دادگاه عمومی جزایی تهران

شماره دادنامه تجدیدنظر: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۹۰۱۷۶۰

تاریخ دادنامه تجدیدنظر: ۱۳۹۳/۱۲/۱۷

مرجع رسیدگی تجدیدنظر: شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

۱. وقایع پرونده

به موجب کیفرخواست شماره ۹۰۰۱۰۶۲-۱۳۹۳/۷/۶ صادر شده از دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۵ تهران، د.ب. متهم است به ارتکاب جعل، استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری؛ شعبه ۱۱۶۹ دادگاه عمومی جزایی تهران به موجب دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۲۱۸۰۹۰۱۰۹۳ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۴ با این استدلال که بزه استفاده از سند مجعول، مقدمه بزه کلاهبرداری است، عمل را مصداق تعدد معنوی دانسته و مرتکب را به جهت ارتکاب جعل به استناد ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به تحمل سه سال حبس تعزیری و به جهت ارتکاب کلاهبرداری با استفاده از سند مجعول به استناد ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ به تحمل هفت سال حبس تعزیری و رد عین مال و ده میلیون و هفتصد هزار تومان جزای نقدی محکوم نموده است. رأی بدوی عیناً مورد تأیید شعبه ۱۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران قرار گرفت.

عنوان فوق‌الذکر ملاحظه می‌گردد که وسیله به کار رفته جهت توزیع محتویات مستهجن، رایانه و شبکه‌های اینترنتی است که با این تأکید، به خوبی می‌توان تصمیم شایسته دیوان عالی کشور را مبنی بر پذیرش اعاده دادرسی به جهت عدم تناسب جرم و مجازات تقدیر نمود. در این ماده، بر توزیع محتویات مبتذل از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی تأکید شده است و با این وصف شمول این ماده بر عمل ارتكابی مرتکب جرم به خوبی مشهود است.

ث) علاوه بر آنچه گفته شد با در نظر گرفتن هر یک از عناوین مجرمانه فوق‌الذکر، بحث صلاحیت مرجع رسیدگی از اهمیت بسزایی برخوردار است بدین ترتیب که جرم «تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل» طبق ماده ۱۱ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز دارند (مصوب ۱۳۸۶) در صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های انقلاب می‌باشد حال آنکه در صورت تطبیق عمل با ماده ۴ قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) با تأکید بر استفاده از سامانه‌های اینترنتی و مخابراتی، مرجع رسیدگی‌کننده صالح، دادگاه عمومی جزایی است. قانونگذار در ذیل تبصره ۱ این ماده، محتویات مبتذل را آثار دارای صحنه و صور قبیحه برمی‌شمرد و در تبصره ۲ برای توزیع میان کمتر از ده نفر صرفاً جزای نقدی بین یک تا ۵ میلیون ریال در نظر گرفته است با این توصیف به نظر می‌رسد رأی صادره از شعبه هم‌عرض دادگاه تجدیدنظر مبنی بر تعیین دو میلیون ریال جزای نقدی مناسب و به عدالت نزدیک‌تر است.

۳. نتیجه‌گیری

تهیه، توزیع و انتشار محتویات مستهجن که شامل آثار دارای صحنه و صور قبیحه می‌باشد، هرگاه از طریق سامانه‌های اینترنتی و مخابراتی صورت گیرد با مقررات موجود در قانون جرایم رایانه‌ای تطبیق و رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های عمومی جزایی است و چنانچه رفتار ارتكابی مرتکب بدون استفاده از وسایل مذکور و به عنوان فعالیت حرفه‌ای مستمر، قابل احراز باشد رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب است.

متن رأی دادگاه بدوی

در خصوص اتهام آقای د. ب. فرزند الف. با وکالت م. ص. مبنی بر جعل وکالت‌نامه رسمی و امضاء و استفاده از آن و انتقال مال غیر موضوع شکایت ج. ر. ی. فرزند الف. با وکالت م. ح. م. به این شرح که متهم با تنظیم مباحثه‌نامه بین شاکی و آقای ح. ت. ز. ش. و جعل امضاء شاکی ذیل مباحثه‌نامه و نهایتاً تنظیم وکالت‌نامه رسمی انتقال ملک به خریدار با ارائه مدارک هویتی جعلی مبادرت به انتقال ملک به ح. ت. ز. ش. می‌نماید که با توجه به نظریه کارشناس رسمی دادگستری و اظهارات آقای ش. ب. و وجود امضاء متهم ذیل قرارداد تحت عنوان شاهد و موجه نبودن دفاع متهم مبنی بر اینکه کاغذی را سفید امضاء نموده است و اطلاعی از انتقال ملک ندارد ولیکن این دفاع غیرموجه بوده، زیرا اظهارات خریدار ملک آقای ش. ب. به‌راحتی دلالت بر محوریت متهم در جرایم فوق‌الذکر دارد مضافاً به اینکه بین طرفین، رابطه خویشاوندی گرچه دور برقرار بوده و امکان دسترسی متهم به اصل سند، دور از عقل نیست همچنین اظهارات مطلعین منضم پرونده نیز مزید بر یقین و حصول علم قاضی به احراز اتهامات انتسابی دارد. فلذا دادگاه مستنداً به ماده ۵۳۳ و ۱۹ قانون مجازات اسلامی و ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین انتقال مال غیر و با توجه به اینکه استفاده از سند مجعول و انتقال مال غیر از مصادیق تعدد معنوی بوده و مجازات اتهام انتسابی اشد تعیین می‌گردد نامبرده را به لحاظ جعل امضاء و جعل وکالت‌نامه رسمی با ارائه اوراق هویتی مجعول به تحمل سه سال حبس و به لحاظ کلاهبرداری نیز به تحمل هفت سال حبس و مسترد نمودن مبلغ ده میلیون و هفتصد هزار تومان به عنوان جزای نقدی به صندوق دولت و همچنین مسترد نمودن ملک شاکی بدوی محکوم می‌نماید. بدیهی است که مسترد نمودن و تحویل فیزیکی ملک از وظایف اجرای احکام، ولیکن تحویل ثبتی به معنای انتقال سند متوقف بر تقدیم دادخواست و ابطال سند فعلی می‌باشد. رأی صادره ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر استان تهران می‌باشد.

متن رأی دادگاه تجدیدنظر

در خصوص تجدیدنظرخواهی خانم الف. ص. به وکالت از آقای د. ب. نسبت به دادنامه شماره ۱۰۹۳ مورخ ۹۳/۹/۲۴ صادره از شعبه ۱۱۶۹

دادگاه عمومی جزایی تهران مبنی بر صدور حکم بر محکومیت تجدیدنظرخواه به اتهام جعل سند به تحمل سه سال حبس تعزیری و به اتهام کلاهبرداری (انتقال مال غیر) با استفاده از سند مجعول نیز به تحمل ۷ سال حبس تعزیری و رد مال و جزای نقدی به شرح مندرج بوده است با توجه به مدلول دادنامه اصداری با توجه به محتویات پرونده و مفاد لایحه تجدیدنظرخواهی نظر به اینکه حسب اوراق و مندرجات پرونده و دلایل منعکس در رأی ایراد و اعتراض موجه و مؤثری که موجبات نقض و بی‌اعتباری دادنامه معترض‌عنه را ایجاد نماید ابراز و اقامه نشده و از حیث رعایت تشریفات قانونی و مبنای استنباط و توجه به مستندات، فاقد اشکال می‌باشد، لذا با رد اعتراض به استناد بند (الف) ماده ۲۵۷ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، دادنامه تجدیدنظرخواسته تأیید می‌گردد. رأی صادره قطعی است.

۲. نقد و بررسی

آنچه در این پرونده حائز اهمیت به نظر می‌رسد بحث چگونگی تعیین مجازات بزه کلاهبرداری از طریق جعل و استفاده از سند مجعول و توجه به شاخصه‌های تعدد جرم است. بدین ترتیب دادگاه محترم در مقام تعیین مجازات میان جرایم موصوف، قائل به تفکیک گشته به‌طوری‌که به جهت ارتکاب بزه جعل، مجازات جداگانه به استناد ماده ۵۳۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و برای ارتکاب بزه استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری از باب تعدد معنوی جرم، قائل به تعیین مجازات اشد بر مبنای ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری شده است.

لازم به ذکر است از آنجا که جرم کلاهبرداری در زمره جرایم مقید به نتیجه است که به‌واقع شرط تحقق آن، حصول نتیجه مجرمانه یعنی «بردن مال دیگری» است. بنابراین هرگاه کسی با استفاده از سند مجعول، مال دیگری را ببرد یعنی در فرض تحقق یافتن نتیجه کار، افعال ارتكابی وی، مبین ارتكاب جرم کلاهبرداری است که با عنوان مجرمانه دیگر «استفاده از سند مجعول» مصداق تعدد معنوی جرم خواهد بود که این مهم در دادنامه صادره از دادگاه محترم بدوی مورد لحاظ قرار گرفته و در دادگاه محترم تجدیدنظر نیز به درستی ابرام گردیده است.

از سویی دیگر باید به این نکته توجه داشت که چنانچه شخصی با استفاده از سند مجعول در مرحله شروع به کلاهبرداری متوقف گردد به دو مجازات شروع به کلاهبرداری و استفاده از سند مجعول محکوم می‌گردد. این امر در تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ بدین ترتیب مورد تأکید قرار گرفته است: «در صورتی که نفس عمل انجام‌شده نیز جرم باشد، شروع‌کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود». اگرچه فرض مطروحه نیز مصداق بارز تعدد معنوی جرم است اما قانونگذار با رویکرد تشدید مجازات نسبت به مرتکبین این‌دست جرایم، قائل به جمع میان مجازات شروع به کلاهبرداری و استفاده از سند مجعول شده است. با این توصیف، جمع مجازات‌ها در چنین حالتی، نافی تعدد معنوی جرایم مذکور نیست بلکه حالتی استثنایی با رویکردی سختگیرانه نسبت به این جرایم است.

درنهایت می‌توان گفت با توجه به تأکید قانونگذار بر مقدم بودن ارتکاب عملیات متقلبانه بر بردن مال و با توجه به مرکب بودن عنصر مادی جرم کلاهبرداری، مناسب‌تر بود که دادگاه محترم بدوی ارتکاب چنین رفتارهای مجرمانه‌ای از قبیل جعل و استفاده از سند مجعول را نه مقدمه جرم کلاهبرداری بلکه جزئی از عملیات مادی و اجرایی این جرم می‌دانست که در صورت ارتکاب آن هیچ تردیدی وجود ندارد، از سویی دیگر «بردن مال دیگری» به عنوان شرط لازم برای تحقق جرم تام کلاهبرداری مدنظر قانونگذار قرار گرفته، به همین روی در به‌کارگیری عناوین مجرمانه تام و تفکیک آن از «شروع به جرم» با لحاظ نیل به نتیجه مجرمانه و تعیین مجازات متناسب قانونی، باید بیش از پیش تدقیق نمود.

۳. نتیجه‌گیری

در صورت ارتکاب جرایم جعل و کلاهبرداری از طریق استفاده از سند مجعول با لحاظ قوانین مربوط به تعدد جرم، به نظر می‌رسد با توجه به عناصر ارتكابی جرم جعل و سپس استفاده از سند مجعول برای بردن مال دیگری، چنانچه نتیجه مورد نظر محقق گردد مرتکب علاوه بر مجازات جعل، به مجازات جرم کلاهبرداری به عنوان مجازات اشد، که در تعدد معنوی با جرم استفاده از سند مجعول قرار می‌گیرد، محکوم می‌گردد و در عین حال چنانچه نتیجه جرم «بردن مال دیگری» تحقق نیافته باشد مجازات مرتکب با لحاظ مجازات جرم جعل، شروع به کلاهبرداری در جمع با مجازات استفاده از سند مجعول در نظر گرفته خواهد شد.

